

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته



به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

اُمّه هدی علیه السلام

مجرای فیض خدا

۱۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۶
۲۸ ربیع الثانی ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين

ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

« قال الله الحكيم في محكم كتابه أعوذ بالله من الشيطان الرجيم »

﴿ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ﴾^(۱) .

و از آنان امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند، چون شکیبایی

نمودند و به آیات ما یقین داشتند .

چکیده سخن :

در جلسات گذشته با توجه به آیات صریح قرآن کریم و روایات مستند و صحیح به این نتیجه رسیدیم که خداوند متعال برای افاضه فیوضات در عالم تکوین همانند عالم تشریح مجاری و اسبابی را برگزیده است و جریان فیض الهی از کانال آنان به همه مخلوقات و موجودات می رسد و با استناد به آیات و روایات به شناسایی و تعیین مصادیق مجاری فیض الهی پرداختیم و بیان نمودیم که آنان کسانی نیستند جز انبیاء و حضرات معصومین علیهم السلام .

۱-سوره سجده، آیه ۲۴ .

در جلسه گذشته پاسخ امیرالمؤمنین علیه السلام به نامه معاویه (علیه اللعنة) را ذکر کردیم و به توضیح فرمایش ایشان پرداختیم که فرمودند:

«وزعمت أن أفضل الناس في الإسلام فلان وفلان ... فإنا صنایع ربنا
والناس بعد صنایع لنا»^(۱).

و گمان کردی برترین مردم در اسلام، فلانی و فلانی است ... قطعی است که ما ساخته شده‌های پروردگاران هستیم و مردم ساخته شده‌های ما.

در این نامه امیرالمؤمنین علیه السلام پرده از اسرار برداشته فرمودند: ما ساخته شده‌های بی واسطه پروردگار هستیم و مردم ساخته‌های ما هستند.

نظر ابن ابی الحدید:

یکی از شارحان نهج البلاغه ابن ابی الحدید است که سنی معتزلی می‌باشد و همانند ما اعتقاد به ولایت و تبزی ندارد. اما وی حدود هشتصد سال قبل^(۲)، پاسخ امیرالمؤمنین علیه السلام به معاویه (علیه اللعنة) را اینگونه توضیح می‌دهد:

«هذا کلام عظیم عالٍ علی الکلام ومعناه عالٍ علی المعانی»؛

این سخن از نظر گفتاری بسیار والا و از نظر معنا بسیار پر محتوی می‌باشد.

۱- نهج البلاغه، نامه ۲۸.

۲- ولادت ۵۸۶ هجری قمری.

« وصنیعة الملك من یصطنعه الملك ویرفع قدره » ؛

ساخته پادشاه، چیزی است که آن را برای خود می سازد و ارج و قدر آن را بالا می برد.

« یقول : لیس لأحد من البشر علينا نعمة ، بل الله تعال هو الذي أنعم علينا » ؛

[امیرالمؤمنین علیه السلام] می فرماید : هیچ یک از افراد بشر بر ما [معصومین علیهم السلام] منت و نعمتی ندارد ، و تنها خداوند است که بر ما منت و نعمت ارزانی داشته است .

« فلیس بیننا و بینه واسطة و الناس بأسرهم صنایعنا ، فنحن الواسطة بینهم و بین الله تعالی » ؛

بین ما و خداوند هیچ واسطه ای نمی باشد و همه مردم ساخته شده ما هستند و ما [معصومین علیهم السلام] بین مردم و خداوند واسطه هستیم .
و هذا مقام جلیل ظاهره ما سمعت و باطنه أنهم عبیدالله و أن الناس عبیدهم ^(۱) .

[ابن ابی الحدید می گوید :] این مقامی که امیرالمؤمنین علیه السلام بیان نموده اند مقامی و الای می باشد ظاهر سخن آن است که شنیدی و باطن و عمق آن یعنی : آنان بندگان خداوند هستند و مردم بندگان آنان .

۱- شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید ، جلد ۱۵ صفحه ۱۹۴ .

سخنی که ما امروز در صدد بیان و توضیح آن هستیم، ابن ابی الحدید سنی در هشتصد سال قبل توضیح داده است.

آری! حضرات معصومین علیهم السلام ساخته شده و بندگان بی واسطه و مستقیم خداوند متعال هستند و تمام انسانها از ابتدای خلقت تا قیام قیامت، ساخته شده و بندگانِ ائمه اطهار علیهم السلام هستند.

زمام آفرینش در دستان اهل بیت علیهم السلام :

زمام همهٔ امور آفرینش به حضرات معصومین علیهم السلام واگذار شده است و آنان قائم مقام ذات اقدس الهی هستند.

در این رابطه امام باقر علیه السلام به محمد ابن سنان می‌فرماید:

« یا محمد! إن الله لم یزل فرداً متفرّداً فی وحدانیته ثم خلق محمّداً وعلیاً

وفاطمة... وفوض أمر الأشياء إلیهم فهم قائمون مقامه »؛

ای محمد! خداوند از ازل تا ابد یگانه و یکتا خواهد بود. سپس پیامبر

صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام را آفرید... امور خلقت را به آنان

واگذار فرمود و آنان قائم مقام خداوند هستند.

هر چیزی که در عالم آفرینش است، مصداق شیء می‌باشد، زمین،

آسمان، حجر، شجر و... خداوند متعال زمام همه اشیاء را به ائمه اطهار علیهم السلام

واگذار نموده است و آنان علیهم السلام قائم مقام خداوند و صاحب اختیار همه چیز و همه

کس هستند.

« فهذه الديانة التي من تقدمها غرق ومن تأخر عنها محق . خذها يا محمد ! فإنها من مخزون العلم ومكنونه »^(۱).

دینداری همین است، هر که جلو بیفتد غرق می‌گردد و هر که عقب نابود می‌شود. ای محمد! آنچه به تو گفتم را بخاطر بسپار که از خزانة‌های پنهانی علوم است.

مقام ائمه علیهم‌السلام فراتر از عقل:

روایاتی که در زمینه جایگاه و مقام ائمه اطهار علیهم‌السلام در منابع روایی وجود دارد و ما به چند نمونه از آنها اشاره نمودیم تنها برای آشنایی و آگاهی ما می‌باشد. ما قدرت درک مقام واقعی حضرات معصومین علیهم‌السلام را نداریم و همین که بدانیم آنان علیهم‌السلام از مقام ویژه‌ای برخوردار هستند کافی می‌باشد.

نکته مهم اینکه ما قصد بت سازی و غلو نداریم، تنها می‌خواهیم شمه‌ای از مقام ائمه اطهار علیهم‌السلام را با استناد به قرآن و روایات معتبر بازگو نماییم. به دو روایت در این زمینه اشاره می‌نماییم:

« أتى الحسين عليه السلام أناس فقالوا له : يا أبا عبد الله حدثنا بفضلكم الذي جعله الله لكم »؛

عده‌ای خدمت ابا عبد الله الحسين عليه السلام شرفیاب شدند و به ایشان عرض کردند: مقامی را که خداوند به شما عطا نموده است، برای ما بازگو فرمایید.

۱- بحار الانوار مجلسی رحمته‌الله، جلد ۲۵ صفحه ۲۵.

« فقال: إنكم لا تحتملونه ولا تطيقونه »؛

أبا عبدالله [ع] فرمودند: شما تحمل و طاقت شنیدن آن را ندارید.
« قالوا: بلى نَحْتَمِلُ. قال: إن كنتم صادقين فليتنحِ إثنان وأحدٌ واحداً
فإن احتمله حدتكم »؛

آنان عرض کردند: تحمل داریم. سپس امام [ع] فرمودند: از شما سه نفر، به یک نفر می‌گویم اگر او تحمل کرد به شما دو نفر نیز می‌گویم.

« فتَنَحَّى إثنان و حدتٌ واحداً فقام طائر العقل و مرّ على وجهه و ذهب
فكلمه صاحبه فلم يردّ عليهما شيئاً و انصرفوا »^(۱).

دو نفر به گوشه‌ای رفتند و امام [ع] با یک نفر سخن گفتند که ناگهان آن شخص همانند انسان عقل از سر پریده از جای برخاست بی هدف به راه افتاد و فرار کرد و پاسخ دو رفیقش راندا.

در روایت دیگری شخصی خدمت ابا عبدالله [ع] عرض می‌کند: از مقامی که خداوند به شما عنایت نموده است، مقداری بگویید، امام [ع] از پاسخ دادن طفره می‌روند، ولی آن شخص باز هم اصرار می‌کند تا اینکه امام [ع] زبان به سخن می‌گشایند، که ناگهان

« ابيضّ رأس الرجل و لحيته و أنسى الحديث ، فقال الحسين [ع]: أدركته

۱- اثبات الهداة، حر عاملی [ع]، جلد ۵ صفحه ۱۹۴.

رحمة الله حيث أنسى الحديث»^(۱).

تمام موهای سر و صورت آن شخص سفید شد و گفتگو را فراموش کرد. امام عليه السلام فرمودند: رحمت خداوند شامل حال وی شد که گفتگو را فراموش نمود.

پاسخ امام صادق عليه السلام به ابو حنیفه (لعنه الله):

امام صادق عليه السلام در روایتی برای اثبات جایگاه خاص معصومین عليهم السلام به قرآن استناد می‌نماید. روایت از این قرار است که روزی ابو حنیفه (لعنه الله)، نزد امام صادق عليه السلام بود و با هم غذا می‌خوردند. امام عليه السلام دست از غذا کشیده، فرمودند:

« الحمد لله رب العالمين ، اللهم هذا منك ومن رسولك صلى الله عليه وسلم »؛

سپاس خدای جهانیان را، پروردگارا! این نعمت از تو و از رسول تو صلى الله عليه وسلم می‌باشد.

« فقال أبو حنیفة : یا ابا عبدالله ! أ جعلت مع الله شریکاً ؟ »؛

ابو حنیفه [لعنه الله] عرض کرد: ای ابا عبدالله [عليه السلام] آیا برای خداوند شریکی قرار دادی؟

ابو حنیفه (لعنه الله) به امام صادق عليه السلام اعتراض می‌کند که

برای خدا شریک قرار داده‌ای و رسول خدا صلى الله عليه وسلم را در این نعمتی که

۱- اثبات الهداة حر عاملی رحمته الله، جلد ۵ صفحه ۱۹۵.

خداوند به ما ارزانی نموده است شریک می‌کنی؟ امام صادق علیه السلام پاسخ او را از قرآن می‌دهند و می‌فرمایند: اگر من برای خداوند شریک قائل باشم، آیا خداوند نیز برای خود شریک قائل است؟! «فَقَالَ لَهُ: وَيْلَكَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: ﴿وَمَا نَقْمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾^(۱)؛

امام علیه السلام فرمودند: وای بر تو، خداوند در قرآن می‌فرماید: (آنها فقط از این انتقام می‌گیرند که خداوند و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم آنان را به فضل و کرم بی‌نیاز ساختند).

«وَيَقُولُ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ﴾^(۲)؛

و در جایی دیگر می‌فرماید: (در حالی که) اگر به آنچه خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم به آنان داده راضی باشند و بگویند: «خداوند برای ما کافی است، و بزودی خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم از فضل خود به ما می‌بخشند و تنها رضای او را می‌طلبیم برای آنها بهتر است.»

«فَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ: وَاللَّهِ لَكَأَنِّي مَا قَرَأْتُهُمَا قَطُّ»^(۳).

ابو حنیفه [لعنه الله] عرض کرد: بخدا قسم، گو اینکه تا به حال هرگز این دو آیه را نخوانده‌ام.

۱- سوره توبه، آیه ۷۴.

۲- سوره توبه، آیه ۵۹.

۳- وسائل الشیعه حر عاملی رحمته الله، جلد ۲۴ صفحه ۳۵۱.

سخن بر سر خواندن و نخواندن قرآن نیست، مهم فهمیدن قرآن است و کسانی که با اهل بیت علیهم السلام ارتباط دارند، می‌توانند قرآن را بفهمند.

قدرت فاعل و ضعف قابل :

تا به حال دریافتیم که جبروت، جلالت و عظمت خالق متعال اقتضاء ارتباط مستقیم با هر پست، دنی و مفضولی را ندارد، و بر اساس برهان (امکان اشرف) ثابت گردید که جریان فیض الهی نمی‌تواند بدون واسطه به مخلوقات و موجودات برسد.

خداوند همچون پادشاه جبار و ستمگری نیست که بگوید: هیچ کس حق ندارد بدون واسطه با من سخن بگوید. لزوم وجود واسطه به شدت و قدرت فیض الهی و به ضعف و سستی مخلوقات باز می‌گردد و به عبارت دیگر ضعف از فاعل نیست بلکه قابل و دریافت کننده فیض، قابلیت ندارد.

برای روشن شدن مطلب به این مثال توجه فرمایید: برق فشار قوی که در نیروگاه تولید می‌شود اگر بدون کنترل و فشار شکن به برق شهری متصل گردد، تمام سیمهای برق آن شهر می‌سوزد و از بین می‌رود. دستگاهی که به برق کم ولتاژی نیاز دارد را با ترانس به برق شهری وصل می‌کنیم. فشار شکن و ترانس همانند واسطه‌های می‌باشند که نخست برق را دریافت کرده و به صورت تعدیل شده و ضعیف ارسال می‌نمایند.

خداوند متعال فیاض علی الاطلاق است و در اعطاء فیض بخل و امساک

نمی‌ورزد، اما موجودات و مخلوقات توان دریافت بی واسطه فیض الهی را ندارند و نیازمند وسایطی هستند که این فیض را دریافت و به حسب قابلیت وجودی هر کس به او اعطا نمایند. به همین دلیل است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«أول ما خلق الله نوري ابتدعه من نوره واشتقّه من جلال عظمته ... ثم خلق العرش واللوح والشمس وضوء النهار ونور الأبصار والعقل والمعرفة وأبصار العباد وأسماعهم وقلوبهم ، من نوري ونوري مشتق من نوره»^(۱).

خداوند نخست از نور خود نور مرا ابداع [آفرید] کرد و آن را از جلال و عظمت خود منشاء داد... سپس از نور من که قسمتی از نور خدا می‌باشد، عرش، لوح، آفتاب، روشنایی روز، نور دیدگان، عقل، معرفت، چشم بندگان، گوش و قلبهای آنان را آفرید.

لئمه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وسایل الهی:

پس از روشن شدن اینکه خداوند متعال از نور خود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را آفرید و همه مخلوقات و موجودات از نور پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آفریده شدند، آیه‌ای را که در آن آمده دریافت نور الهی نیازمند به واسطه یا به عبارتی (وسیله) می‌باشد، بیان می‌کنیم.

خداوند می‌فرماید:

۱- بحار الانوار، جلد ۲۵ صفحه ۲۲.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾^(۱).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و وسیله‌ای برای تقرّب به او بجویید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید.

به تصریح روایات فراوان، حضرات معصومین علیهم‌السلام وسایل الهی هستند، امیرالمؤمنین علیه‌السلام در ذیل آیه فوق می‌فرمایند:

«أنا وسيلته»^(۲).

من وسیله خداوند هستم.

برخی از مفسران اهل سنت در تفسیر این آیه اسامی اصحاب کساء علیهم‌السلام را ذکر کرده‌اند^(۳).

رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌فرمایند:

«نحن الوسيلة إلى الله والوصلة إلى رضوان الله»^(۴).

ما وسیله به سوی خداوند و راه رسیدن به بهشت خداوند هستیم.

حضرت زهرا علیها‌السلام در رابطه با غصب فدک توسط دستگاه نامشروع خلافت

خطبه مشهوری، ایراد کردند و فرمودند:

۱- سوره مائده، آیه ۳۵.

۲- تفسیر برهان، جلد ۶ صفحه ۴۶۹.

۳- شواهد التنزیل، جلد ۱ صفحه ۴۴۶.

۴- بحار الانوار، جلد ۲۵ صفحه ۲۳.

«نحن وسيلته في خلقه»^(۱).

ما وسیله‌های خداوند در میان مخلوقات هستیم.

وسایل الهی با جعل الهی:

هر چیزی شایستگی آن را ندارد که وسیله قرار بگیرد. وسایل و وسایط توسط خداوند برگزیده و انتخاب می‌شوند. همان‌گونه که در عالم تشریح (نبوت و مقام دریافت و ابلاغ وحی) انتخاب از آن خداوند است، در عالم تکوین (انتقال فیض به مخلوقات) نیز خداوند انتخاب می‌کند، و افراد بشر هیچ‌گونه حقی در این انتخاب و جعل ندارند.

به عنوان مثال، سنگهای بسیار زیبا و درخشانی در عالم یافت می‌شود و انسان از دیدن آنها لذت سرشاری می‌برد، اما هیچ یک از این سنگها را خداوند وسیله قرار نداده است و فقط سنگ سیاه کعبه را وسیله تقرب و تعبد قرار داده است و در هنگام تشرّف به حجّ در صورت امکان، باید حجر الاسود را ببوسیم، استلام^(۲) نماییم و بگوییم:

«اللّهم أمانتي أدّيتها وميثاقي تعاهدته لتشهد لي بالموافاة»^(۳).

بارالها! امانتم را ادا نمودم و به عهد و پیمانم گردن نهادم تا به وفاداری من شهادت دهی [خطاب به حجر الاسود].

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱۶ صفحه ۲۱۱.

۲- استلام: لمس کردن، دست کشیدن به چیزی (فرهنگ معین).

۳- وسایل الشیعه، جلد ۱۳ صفحه ۳۱۴.

اما اگر توجّه به جعل الهی و وسیله قرار گرفتن بعضی اشیاء نشود، مثل
دومی خطاب به حجر الاسود خواهد گفت:

«إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّكَ حَجْرٌ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ»^(۱).

من یقین دارم تو سنگی هستی که نه ضرری می رسانی و نه سودی.
ما در انتخاب امام عَلَيْهِ السَّلَامُ، وسایط فیض و وسایل الهی اعتقاد صریح و قاطع
به جعل الهی داریم و در شفاعت ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و توّسل به آنان فقط آنچه را که
قرآن و روایات مستند بیان کرده‌اند می‌پذیریم و به شبهات وهابیت و وسوسه‌های
شیطانی که مخالف دستور خداوند است، اهمیتی نمی‌دهیم.

گفتگوی شیطان با خداوند:

باید مراقب وسوسه‌ها و استدلال‌های شیطان باشیم. هنگامی که
خداوند متعال حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را آفرید به تمام فرشتگان دستور داد که به آدم
سجده کنند:

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ
مِنَ الْكَافِرِينَ﴾^(۲).

(و یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و
خضوع کنید» همگی سجده کردند، جز ابلیس که سرباز زد و تکبر
ورزید و (بخاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد.

شیطان نافرمانی نموده، سجده نکرد و با خداوند استدلال و محاجّه نمود

۱- شرح فتح القدير، جلد ۲ صفحه ۴۴۹.

۲- سورة بقره آیه ۳۴.

و گفت: خداوندا! چگونه پست را بر برتر و دنی را بر اعلاء ترجیح می دهی؟

﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾^(۱).

[شیطان] گفت: من از او بهترم، مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل.

هنگامی که دید خداوند به استدلال او وقعی نمی‌نهد، از راه معامله وارد

شد و گفت:

«أنا أعبدك عبادة لم يعبدكها ملك مقرب ولا نبي مرسل»؛

خداوندا! اگر مرا از سجده بر آدم [علیه السلام] معاف داری تو را به گونه‌ای

عبادت می‌نمایم که تا به حال نه فرشته‌ای نزدیک به تو و نه پیامبری

فرستاده از جانبت، تو را عبادت کرده باشد.

خداوند در پاسخ به وی فرمود:

«لا حاجة لي إلى عبادتك، إنما أريد أن أعبد من حيث أريد لا من حيث

ترید»^(۲).

مرا نیازی به عبادت تو نیست، آن گونه که دوست دارم می‌خواهم

عبادت شوم نه آن گونه که تو دوست می‌داری.

خود پسندی آغاز گمراهی:

شیطانی که سجده‌های او چهار هزار سال بطول می‌انجامید، گرفتار عجب

و تکبر شد. عبودیت یعنی تسلیم محض خداوند شدن و ارتباطی با کثرت عبادت

ندارد.

۱- سوره ص، آیه ۷۶.

۲- تفسیر قمی، جلد ۱ صفحه ۴۲.

امام سجاده عليه السلام می فرمایند:

« عبدتي لك ولا تفسد عبادتي بالعجب »^(۱).

مرا بر بندگی خود رام ساز و عبادتم را به سبب خود پسندی تباه
منمای.

تسلیم در برابر پیشگاه الهی یکی از بالاترین نعمات بشمار می آید، هر چه
را قادر مطلق می فرماید، باید گردن نهیم تا سر انجامی چون شیطان رجیم نداشته
باشیم.

﴿ قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴾^(۲).

فرمود: از آسمانها و (صفوف ملائکه) خارج شو، که تو رانده درگاه
منی.

رانده شدن از پیشگاه الهی، خسرانی عظیم است که به هیچ وجه قابل
جبران نمی باشد. از خداوند بخواهیم که فرمانبردار محض باشیم و تمام اوامر و
نواهی را به بهترین وجه انجام دهیم. نماز خواندن به تمام شرایط و کیفیات آن،
حج، هروله^(۳) بین صفا و مروه، رمی جمرات و ...

همانند امام سجاده عليه السلام از خداوند منان می خواهیم که،

« إلهي ما بدأت به من فضلك فتممه »^(۴).

۱- صحیفه سجادیه دعای مکارم الاخلاق، صفحه ۱۰۰.

۲- سوره ص، آیه ۷۷.

۳- هروله: رفتاری میان دویدن و رفتن (فرهنگ معین).

۴- صحیفه سجادیه، مناجاة الراغبین.

پروردگارا! آنچه از فضل و نعمت بدون درخواست به من اعطا نمودی به پایان برسان.

خداوندا! نعمت تسلیم و عبودیت را تا آخرین لحظه حیات از ما سلب مفرما.

دامهای گوناگون شیطان:

شیطان منافذ و راههای گوناگونی دارد و هر کس را به روش و شیوه‌ای خاص فریب می‌دهد. از راه فقه و تفقه وارد می‌شود و ابوحنیفه (لعنه الله) و امثال وی را گمراه می‌کند.

از راه عرفان ابن عربی و برخی دیگر را فریب می‌دهد، ابن عربی بگونه‌ای منحرف می‌شود که می‌گوید:

«فسبحان من أظهر الأشياء وهو عينها»^(۱).

منزه است خدایی که اشیاء را پدیدار کرد و خود عین آنهاست.

«العارف يرى الحق في كل شيء بل يراه عين كل شيء»^(۲).

عارف خدا را در همه چیز می‌بیند، بلکه خدا را عین هر چیزی می‌بیند.

اینکه با نظر به هر مخلوقی خدا را به یاد آوریم، خوب است اما

۱- فتوحات مکیه، جلد ۲ صفحه ۴۵۹.

۲- شرح فصوص الحکم، فص هارونی صفحه ۴۳۷.

قسمت دوم سخن ابن عربی نادرست است که خداوند را عین هر چیزی ببینم، آیا خداوند عین همه چیز است حتی عین کثافات و نجاسات!

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«من زعم أن الله عزوجل في شيء أو من شيء أو على شيء فقد أشرك»^(۱).

هر کس که بپندارد که خداوند در چیزی یا از چیزی و یا روی چیزی است مشرک شده است.

شیطان اهل علم و روحانیون را با دزدی، و زنا و شرب خمر کمتر فریب می دهد و بیشتر از طریق غیبت، و تهمت و سوء ظن وارد می شود.

مهمترین خواسته، حُسن عاقبت:

یکی از دعا‌های مهم و فراموش نشدنی ما باید درخواست حُسن عاقبت از خداوند متعال باشد. حضرت یوسف علیه السلام با تمام مقامات دنیوی و معنوی که خداوند به او عنایت فرموده بود، نگران لحظات پایانی حیات خود بود و از خداوند حُسن عاقبت می طلبید و درخواست می کند که مسلمان بمیرد.

۱- هدایه، شیخ صدوق رحمته الله علیه، صفحه ۱۷.

﴿رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِئْتِنِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾ (۱).

پروردگارا! بخشی عظیمی از حکومت را به من بخشیدی و مرا از علم تعبیر خوابها آگاه ساختی، ای آفریننده آسمانها و زمین! تو ولی و سرپرست من در دنیا و آخرت هستی مرا مسلمان بمیران و به صالحان ملحق فرما).

در آخرین جمعه ماه شعبان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطبه ای ایراد و به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: در این ماه محاسنت به خون فرقت رنگین می شود، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام از جای بر می خیزند و از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می پرسند:

« في سلامة من ديني؟ » (۲).

آیا در آن هنگام [شهادت] دینی راستین دارم؟
سخن امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام بسیار مهم و تکان دهنده است.
هنگامی که شخصی به عظمت ایشان نگران لحظات پایانی عمر خود می باشد، ما بیچارگان و تهی دستان باید چه بگوییم؟!
افراد فراوانی بوده اند که عمری را در مساجد و محافل

۱- سوره یوسف، آیه ۱۰۱.

۲- بحار الانوار، جلد ۴۲ صفحه ۱۹۰.

اهل بیت علیهم السلام گذارنده‌اند، اهل عبادت و تهجد و ... بوده‌اند، اما متأسفانه بر اثر یک غفلت، لغزیدند و تمام اندوخته‌های خود را بر باد فنا دادند. در روایات آمده است که شخصی هفتاد سال کارهای خوب انجام می‌دهد ولی بر اثر یک وصیت نادرست به جهنم می‌رود و فردی دیگر علی‌رغم اینکه هفتاد سال گناه می‌کند ولی وصیت او موجب رضا و خشنودی خداوند شده به بهشت می‌رود^(۱).

داستانی از حُسن عاقبت:

ما باید ارتباطمان را با خاندان اهل بیت علیهم السلام مستحکم کنیم تا خدای ناکرده گمراه و منحرف نگردیم.

می‌گویند: مردی بود آذری که پایبند به دین و مذهب نبود و مسکرات می‌نوشید و قداره کش و قلدر محل بود. روزی در مسجد محل، مجلس سوگواری برای حضرت سید الشهداء علیه السلام برگزار شده بود و او مست و خمار به مسجد می‌آید. بر پا کنندگان مجلس، از اینکه وی به مسجد آمده ناراحت می‌شوند. و به وی می‌گویند: آمدن شما مناسب مجلس نیست و او را از مسجد بیرون می‌کنند. فردا صبح همه آنان درب خانه آذری می‌روند و از او حلالیت می‌طلبند و از او معذرت می‌خواهند. مرد آذری به آنها گفت: چه شده است؟ آنها در پاسخ

۱- بحار الانوار، جلد ۱۰۰ صفحه ۲۰۰.

گفتند: در خواب دیدیم سگی نگهبان چادرهای حضرت سیدالشهدا علیه السلام در کربلا می‌باشد که سر او سر شما بود. با همین یک خواب و از شرمندگی عنایت حضرت سیدالشهدا علیه السلام آن مرد آذری منقلب گشت و توبه کرد و از سوء عاقبت نجات یافت^(۱).
انشاء الله خداوند به همه ما حُسن عاقبت کرامت بفرماید.

« والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

۱- داستان کامل « رسول تُرک » را در کتابی با همین نام مطالعه بفرمایید.

به سوی معرفت ۱۱

۲۶

... خداوند همچون پادشاه جبّار و
ستمگری نیست که بگوید: هیچ کس حق
ندارد بدون واسطه با من سخن بگوید.
لزوم وجود واسطه به شدّت و قدرت
فیض الهی و به ضعف و سستی مخلوقات
باز می‌گردد و به عبارت دیگر ضعف از
فاعل نیست بلکه قابل و دریافت‌کننده
فیض، قابلیت ندارد.
(صفحه ۱۱ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه بیت حضرت آیت الله یثربی

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳ نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳